

دکتر احمد رضی *

چکیده

آگاهی از روش‌شناسی تحقیق موجب افزایش اثربخشی و کارایی پژوهش می‌شود. یکی از مباحث با ارزش و راهگشای روش تحقیق، بحث از اصول و مهارت‌های پژوهش‌های «مسأله‌محور» است که در مطالعات ادبی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. رواج و گسترش تحقیقات مسأله‌محور در عرصه زبان و ادبیات فارسی، نیازمند توجه جدی به اصول و ضوابط آن، تغییر نگرش در پژوهشگران ادبی، تجدید نظر در برنامه‌های درسی مراکز آموزش عالی و بازنگری در شیوه‌ها و مراحل اجرای طرح‌های پژوهشی در این رشته است. در این مقاله ضمن تأکید بر لزوم توجه بیشتر به مسأله‌محوری در تحقیقات ادبی به معرفی ویژگی‌های این گونه تحقیقات پرداخته می‌شود، چستی مسأله تحقیق و خصوصیات مسأله‌های ادبی بیان می‌گردد، شیوه‌ها و مهارت‌های مسأله‌یابی در حوزه ادبیات تشریح می‌شود، گونه‌ها و انواع مسأله‌های ادبی معرفی می‌گردد و توضیح داده می‌شود که یک پژوهشگر برای حل مسأله‌های ادبی چه مراحل را باید طی نماید.

واژه‌های کلیدی

روش تحقیق، مسأله تحقیق، آموزش محوری، مسأله‌یابی، گونه‌شناسی مسأله.

مقدمه

تحقیقات ادبی به دلیل فراوانی نمونه‌ها و تنوع رویکردها و به سبب تعداد بسیار زیاد پژوهشگرانی که به امر تحقیق در این حوزه مشغول‌اند، از گسترده‌ترین حوزه‌های پژوهشی به شمار می‌رود. با وجود این بخش مهمی از آثار منتشر شده در این زمینه، به موضوعات کلی اختصاص یافته است که محقق در آنها بدون آنکه مسأله اصلی را بخوبی روشن کرده باشد، مطالب متنوعی؛ از جمله مباحث حاشیه‌ای را گردآوری می‌کند و با ذکر شواهد فراوان، کتاب‌هایی پُر حجم و مقالاتی به شیوه تألیفی عرضه می‌نماید که جز توصیف بعضی از موارد مرتبط با موضوع به نتیجه جدیدی ختم نمی‌شود.

مؤلفان این گونه آثار تلاش می‌کنند تا جایی که امکان دارد، مطلبی از قلم نیفتد و همه مطالب مربوط به موضوع بیان شود. این دغدغه باعث می‌شود تا آنان به جای ژرف‌کاوی در مسائل ادبی، به جامعیت و گستردگی مباحث خود بیندیشند. نتیجه چنین رویکردی غلبه بعد آموزشی و ترویجی بر بعد پژوهشی در آثار آنان و گم شدن مسأله اصلی پژوهش در لابلای مباحث متنوع و متعددی است که به صورت سطحی و گذرا مطرح می‌شوند.

این در حالی است که امروزه «مسأله» رکن اصلی هر پژوهش علمی به شمار می‌رود و اهمیت هر تحقیق تا اندازه زیادی به نوع «مسأله تحقیق» و حل آن با استفاده از پژوهش روشمند وابسته است. با وجود این، بحث از شیوه مسأله‌یابی در مطالعات ادبی و راه‌های اولویت‌بندی مسائل و چگونگی حل هر مسأله ادبی در کتاب‌هایی که درباره روش تحقیق در ادبیات فارسی منتشر شده‌اند، چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

با توجه به فراوانی تعداد پژوهشگران ادبی در زمان معاصر؛ اعم از استادان، دانش‌آموختگان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها، اگر بخشی از توان تحقیقاتی آنان به سمت حل مسأله‌های موجود سوق داده شود، کارایی و اثربخشی تحقیقات ادبی افزایش می‌یابد، بسیاری از گره‌های زبانی و ادبی گشوده و بخشی از نیازهای جامعه مرتفع خواهد شد؛ نوآوری و شکوفایی در حوزه‌های پژوهش و آفرینش ادبی جایگزین تکرار و تقلید می‌گردد؛ بر شادابی و نشاط در بین دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی افزوده و این رشته به جایگاه واقعی خود در جامعه نزدیک‌تر می‌شود.

اصولاً یکی از نیازهای اساسی پژوهشگران ادبی جوان، آشنایی روشمند با مهارت‌ها و روش‌های حل مسأله در حوزه زبان و ادبیات است که امید است محققان برجسته و موفق ادبی با یاری گرفتن از تجربه‌های شخصی و پژوهش در آثار سایر محققان ادبی در ایران و جهان، اصول و شیوه‌هایی را در این زمینه تدوین کنند و راهگشای گروه زیادی از جوانان پژوهش‌گر در جامعه و دانشگاه باشند تا آنان ضمن آشنایی با روش‌های تشخیص درست مسأله ادبی بتوانند، مسائل گوناگون پژوهشی را از هم تفکیک و براساس درجه اهمیت اولویت‌بندی کنند و سرمایه عمر خود را در مسیر حل آن دسته از مسائلی که با ارزش‌ترینند، صرف کنند و زمینه‌ساز پویایی زبان و ادبیات فارسی شوند.

لازمه جدی گرفتن تحقیقات مسأله‌محور در حوزه زبان و ادبیات آن است که با اصول این گونه تحقیقات آشنا شویم؛ بدانیم که پژوهش‌های مسأله‌محور چه ویژگی‌هایی دارند؟ در چه زمینه‌ها و شرایطی رشد می‌کنند؟ پژوهشگر ادبی در پژوهش‌های مسأله‌محور چه مراحل را باید طی کند؟ شیوه‌های مسأله‌یابی کدام‌اند؟ چگونه می‌توان مسائل ادبی را اولویت‌بندی کرد و مهم‌تر از همه اینکه چگونه می‌توان مسأله‌های ادبی را حل کرد؛ یعنی چه شیوه‌هایی برای حل مسأله در رشته‌های ادبی وجود دارد؟

در این مقاله با در نظر داشتن ماهیت و روش تحقیقات ادبی، ابتدا مسأله تحقیق تعریف و ویژگی‌های پژوهش‌های مسأله‌محور بیان می‌شود و پس از یادآوری خصوصیات مسأله‌های ادبی، شیوه‌ها و مهارت‌های مسأله‌یابی تشریح می‌گردد که این موضوع، از مباحث مورد نیاز عموم پژوهشگران ادبی؛ بویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌هاست و سرانجام مراحل حل مسأله‌های ادبی مورد بحث قرار می‌گیرد. این مباحث می‌تواند موجب تغییر نگرش در شیوه‌ها و مراحل اجرای تحقیقات ادبی شود و پژوهشگران ادبی را برانگیزاند تا توجه بیشتری به تحقیقات

مسأله محور داشته باشند و زمینه بحث‌های گسترده‌تر و عمیق‌تر درباره اصول، ضوابط، روش‌ها و رویکردهای این گونه تحقیقات را فراهم آورد.

۲. تعریف مسأله تحقیق

«مسأله تحقیق» پرسشی است که در ذهن پژوهشگر جرقه می‌زند و معمولاً بیان‌کننده موانعی است که بر سر راه فهم یک پدیده و یا کاربرد یک ایده وجود دارد. معیار تازگی پرسش در تشخیص مسأله، تنها ذهن پژوهشگر نیست؛ بلکه تازگی آن با نگاهی به پیشینه تحقیق در آن زمینه و در مقایسه با یافته‌های سایر پژوهشگران فهمیده می‌شود. بنابراین مسأله پژوهشی در حوزه ادبیات، پس از مطالعه دستاوردهای پیشینان درباره هر موضوع آشکار می‌گردد؛ به تعبیر دیگر پرسش‌هایی می‌توانند زمینه‌ساز ظهور مسأله تحقیق ادبی شوند که در روند مطالعات قبلی درباره یک موضوع، بی‌پاسخ مانده یا پاسخ‌هایی متناقض دریافت کرده باشند و یا آنکه اطلاعات پاسخ‌های داده شده، آشفتگی و مبهم و نظام نیافته بوده، نیازمند دریافت پاسخی جدید باشد.

از ویژگی‌های «مسأله تحقیق» آن است که «مسأله» باید جزئی و ملموس باشد و صورت مسأله؛ یعنی کیفیت و نوع گره‌های آن، برای پژوهشگر روشن شده باشد. بنابراین، طرح مشکلات ادبی به صورت کلی، مبهم و مرکب از اجزای درهم پیچیده، در تحقیقات مسأله محور اهمیت چندانی ندارد؛ مگر آنکه ابتدا موضوعات کلی به مسائل جزئی متعدّد تجزیه شوند و آنگاه، مسأله‌های اولویت‌دار به صورت جداگانه مورد پژوهش قرار گیرند.

طرح پرسش‌های تحقیق‌پذیر درباره موضوعات کلی و پیچیده ادبی و جرح و تعدیل آنها برای رسیدن به مسائل پژوهشی و اولویت‌بندی آنها برای گزینش مهم‌ترین مسأله ادبی، مستلزم به کارگیری مهارت‌هایی است که پژوهشگر ادبی باید آنها را بیاموزد؛ مانند مهارت چگونگی کشف روابط میان پدیده‌های ادبی یا مهارت نگاه انتقادی به متون ادبی یا مهارت چگونگی پرسشگری درباره یک پدیده ادبی.

۳. ویژگی‌های تحقیقات مسأله محور

هدف اولیه تحقیقات «مسأله محور» رفع نیازهایی است که برآورده نشده‌اند؛ این نیازها می‌توانند علمی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... باشند. همچنین این نیاز می‌تواند معطوف به تحقیقات بنیادی یا کاربردی باشد؛ اما تحقیقات کاربردی بیشتر مبتنی بر مسأله محوری است؛ زیرا هدف اصلی آن رفع نیازمندی‌های ملموس و فوری زندگی بشری است.

تحقیقات مسأله محور را می‌توان در مقابل تحقیقات آموزش محور قرار داد. تحقیقات آموزش محور، مبتنی بر جستجو در نتیجه تحقیقات دیگران برای عرضه مناسب و مؤثر به مخاطبان است. هدف این نوع مطالعات، آموزش، اطلاع رسانی و ترویج یافته‌های علمی است و کارکرد اصلی آن توزیع علم است؛ نه تولید علم. نوآوری نیز در تحقیقات آموزش محور بیشتر در محدوده سازمان‌دهی مجدد مطالب، طبقه‌بندی‌ها و شیوه عرضه مباحث است؛ مانند تحقیق برای بازنویسی کتاب‌های درسی؛ مثلاً می‌توان با مقایسه کتاب‌هایی که برای یک درس خاص مانند کتاب‌های آموزش عروض یا علم بدیع منتشر شده‌اند باسانی فهمید که آنها از جهت محتوا چندان تفاوتی با هم ندارند؛ بلکه تفاوت آنها در شیوه ارائه و سازمان‌دهی مطالب و متفاوت بودن شواهد و نمونه‌هاست.

البته آموزش نیز می‌تواند با شیوه حل مسئله ارائه شود؛ اما در آن چگونگی حل مسائلی که قبلاً حل شده‌اند؛ آموزش داده می‌شود. آموختن شیوه حل مسائل حل شده، افراد را در حل موارد مشابه توانا می‌کند؛ اما اساس کار تحقیقات مسئله‌محور شناسایی و حل مسائلی است که به صورت گره‌های علمی باقی مانده‌اند و یا شیوه رایج حل آنها نارسا یا طولانی است.

احد فرامرز قراملکی تحقیقات مسئله‌محور را در مقابل تبّعات «موضوع محور» قرار می‌دهد. از نظر او پژوهشگر در تبّعات موضوع محور به جای مواجه شدن با مسئله با مشکل درگیر می‌شود. مشکل مانعی سطحی، کلی، مبهم و مرکب است که قابل رؤیت توسط عموم است؛ اما مسئله مانعی ژرف، مشخص، روشن و واحد است که توسط متخصصان مرتبط با آن مسئله قابل رصد کردن است (۱۳۸۳: ۱۰۶ - ۱۰۸). در تبّعات موضوع محور، عنوانی برای مطالعه برگزیده می‌شود و تلاش می‌شود تا هر مطلبی که به شکلی با آن مرتبط است گردآوری و گزارش شود.

تفاوت‌های ساختاری تبّعات موضوع محور با پژوهش‌های مسئله‌محور عبارت‌اند از:

۱. تتبع موضوع محور، فعالیتی است فاقد مراحل مترتب؛ اما پژوهش مسئله‌محور، فرایندی دارای انتظام و ترتیب است.
۲. موضوع در فرایند پژوهش مسئله‌محور، امری تبعی و ثانوی است و صرفاً عنوانی است که به مسائل تحقیق اشاره می‌کند.
۳. در فرایند پژوهش مسئله‌محور، امکان حاشیه‌پردازی و پراکنده‌کاری از بین می‌رود.
۴. تتبع موضوع محور، امکان وقوع خطاهای روش‌شناختی مانند خطای مسئله‌پنداری مبادی را افزایش می‌دهد.
۵. فرایند مسئله‌محور، اثربخشی پژوهش را افزایش می‌دهد (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵: ۱۳۱).

۴. ویژگی‌های مسئله‌های ادبی

محققان ادبی پژوهش‌های گسترده و متنوعی انجام می‌دهند؛ از جمله تحقیق در حوزه‌های تصحیح نسخه، تاریخ ادبیات، سبک‌ها و مکتب‌های ادبی، دستور زبان، نقد ادبی، ادبیات تطبیقی، شرح و تفسیر متون، تحلیل گفتمان، نشانه‌شناسی و ... و همچنین تحقیق درباره موضوعاتی همچون عرفان، حماسه، اجتماع، فلسفه، اخلاق، دین، تاریخ، اسطوره و ... از این رو مسائل سایر رشته‌های علمی نیز در مطالعات ادبی مورد توجه محققان قرار می‌گیرد.

با این همه، آنچه مسلم است، پژوهش ادبی با متن سر و کار دارد، متن به معنای عام که شامل گفتار و نوشتار می‌شود. هدف اصلی پژوهش ادبی، فهم متن و تفسیر و نقد آن است که مستلزم شناخت ویژگی‌های متن؛ از جمله خصوصیات زبانی و سبکی است. فهم متن ادبی گاهی فهم نیت شاعر یا نویسنده و گاهی درک اثرپذیری و تعامل خواننده با متن است و گاهی نیز هر دوی آنها را شامل می‌شود. همچنین ممکن است پژوهشگری درصدد باشد تا معانی محتمل متن را بدون در نظر داشتن کیفیت اثرگذاری خالق آن و یا اثرپذیری خوانندگان فهم کند (رضی، ۱۳۸۶: ۱۳۶).

یکی از پرسش‌های اولیه در تحقیقات ادبی مسئله‌محور این است که مسئله‌های ادبی از چه جنسی‌اند و چه خصوصیاتی دارند و تفاوت‌های آنها با مسئله‌های رشته‌های دیگر مثل علوم محض چیست؟ از جمله ویژگی‌های مسئله‌های ادبی این است که:

- ۴-۱. اغلب آنها عاطفی‌اند و با احساسات آدمیان اعم از خواننده یا خالق اثر گره خورده‌اند.

۲-۴. این گونه مسأله‌ها از نوع ارزشی‌اند؛ یعنی پژوهشگر ادبی در بسیاری از موارد ناچار است، درباره میزان زیبایی یا خوبی اثر ادبی داوری کند.

۳-۴. مسأله‌های ادبی اغلب در زبانی ویژه شکل می‌گیرند؛ زبانی برجسته‌سازی شده که در بسیاری از موارد غیرشفاف، مبهم و نمادین است.

۴-۴. بخش مهمی از مسأله‌های ادبی با روایت پیوند خورده‌اند و فهم آنها نیازمند توجه به نظریه‌های مربوط به روایت است.

۵-۴. مسأله‌های ادبی معمولاً با عنصر خیال پیوند دارند؛ بویژه شعر که از گره خوردگی عاطفه و خیال به وجود می‌آید.

۶-۴. مهم‌تر از همه اینکه مسأله‌های ادبی اغلب از نوع کیفی‌اند؛ زیرا نتایج تحقیق درباره آنها تا اندازه زیادی به زمینه، موقعیت، بافت و شرایطی وابسته است که تحقیق در آنها انجام می‌گیرد. این گونه مسأله‌ها اغلب با یک یا چند عامل دیگر از جمله مؤلف، خواننده، متنهای پیشین و ... مرتبط‌اند و بسیاری از آنها دارای سطحی از پیچیدگی‌اند؛ به طوری که برای حل آنها باید از رویکرد میان‌رشته‌ای استفاده کرد.

کاترین و راس من معتقدند پژوهشگرانی که بخواهند، تحقیق کیفی انجام دهند، دست‌کم با سه مشکل یا چالش رو به رو می‌شوند: الف- ارائه یک چارچوب برای تحقیق که عمیق، خلاصه و دقیق باشد ب- برنامه‌ریزی طرحی که نظام‌مند و قابل اجرا و در عین حال انعطاف پذیر باشد ج- یکپارچه کردن اسناد ذیربط به گونه‌ای که بتوان صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران را متقاعد ساخت که تحقیق مزبور باید انجام شود؛ می‌تواند انجام شود و سرانجام اینکه انجام خواهد شد (۱۳۸۱: ۹).

۵. شیوه‌ها و مهارت‌های مسأله‌یابی

مسأله‌یابی یکی از مراحل مهم شیوه «حل مسأله» در تحقیقات علمی است و شناسایی مسأله‌هایی که در گستره ادبیات فارسی برای پژوهش قابلیت دارند و طبقه‌بندی آنها و انتخاب مسأله‌های اولویت‌دار برای اجرای پروژه‌های تحقیقاتی یکی از نیازها و ضرورت‌های همیشگی حوزه ادب‌پژوهی است.

برای یافتن گره‌های علمی در حوزه مطالعات ادبی چه راه‌هایی وجود دارد و چگونه می‌توان به مهم‌ترین مسائل ادبی دست یافت؟ کدام پدیده و چه شرایط یا موقعیتی منجر به بروز مسأله‌های تازه می‌شود؟ با کدام شیوه‌ها و چه مهارت‌هایی می‌توان مسائل ادبی را کشف کرد؟ برای پاسخگویی به این پرسش‌ها در ادامه مهم‌ترین مواردی که توجه و دقت کردن در آنها به مسأله‌یابی کمک می‌کند آورده می‌شود:

۱-۵. پدیده‌هایی که درباره آنها با نبود یا کمبود اطلاعات مواجه‌ایم: یکی از راه‌هایی که می‌توانیم به مسأله‌های خوب ادبی در تحقیق دست پیدا کنیم، توجه کردن به آن دسته از پدیده‌های ادبی است که درباره آنها با نبود یا کمبود اطلاعات مواجه‌ایم. ادبیات در دوره معاصر شرایطی متفاوت نسبت به گذشته دارد. در این دوره امکانات جدیدی ظهور کرده‌اند که زندگی بشر و از جمله ادبیات را تحت تأثیر قرار داده‌اند، از این رو لازم است که پژوهشگران ادبی درباره آنها به پژوهش و تحقیق بپردازند؛ مانند فناوری اطلاعات و ارتباطات که در دهه اخیر بسیار گسترش پیدا کرده است می‌تواند مورد توجه محققان قرار گیرد و طرح‌های تحقیقاتی زیاد و متنوعی درباره تأثیرات این پدیده بر روند آفرینش

ادبی و پژوهش ادبی اجرا شود، مثلاً ظهور پدیده اینترنت باعث شده است که افراد به علت آزاد بودن محیط آن، اشعار و داستان‌های خود را بدون آنکه سانسور شود، در این رسانه عرضه کنند. هر شاعری می‌تواند آثار ادبی خود را بلافاصله پس از سرودن از طریق اینترنت در اختیار مخاطبان گوناگون در کشورهای مختلف قرار دهد و از دیدگاه‌های آنان درباره اثر خود باخبر شود. این گونه از ادبیات ویژگی‌ها و خصوصیتاتی دارد که آن را از ادبیات چاپی متمایز می‌کند. مسأله‌های متعددی در ارتباط با این نوع از ادبیات که می‌توان آن را ادبیات اینترنتی نامید (رک. رضی و اکبرآبادی، ۱۳۸۷: ۲۷۳-۲۷۶) برای تحقیق وجود دارند که ما درباره آنها با کمبود یا نبود اطلاعات مواجه‌ایم و لازم است که در این زمینه پژوهش‌های جدی صورت گیرد؛ زیرا بیشتر کاربران اینترنت جوانان و نوجوانانی هستند که در زمینه زبان و ادبیات فارسی کم‌مایه‌اند؛ اما به علت توانایی استفاده از این امکان، هر اثری را به نام ادبیات از طریق اینترنت در سطح جهانی منتشر می‌کنند.

۲-۵. آشفته بودن اطلاعات موجود درباره یک موضوع: یکی دیگر از عرصه‌هایی که می‌توان در آن به مسأله ادبی دست یافت زمانی است که اطلاعات موجود درباره یک موضوع آشفته باشد؛ به تعبیر دیگر مواد تحقیقاتی موجود، مغشوش باشد؛ مثلاً وجود نسخه‌های خطی متعدد و با اختلاف زیاد درباره یک متن که تاکنون تصحیح نشده است، نشان می‌دهد که مسأله اصلی و اولیه آن آشفتگی است و باید با تصحیح نسخه‌ها این آشفتگی را سامان داد.

۳-۵. ناقص بودن پژوهش‌های قبلی: عرصه دیگر کشف مسأله در مواردی است که تحقیقات پیشین درباره یک مسأله ناقص است؛ مثلاً تصحیحی که از نسخه‌های خطی یک متن منتشر شده است، دارای اشکالات فراوان باشد و یا نسخه معتبر جدیدی از آن پیدا شود که با نسخه‌های قبلی تفاوت دارد. در این صورت اجرای طرحی برای تصحیح مجدد آن با بهره‌گیری از روش مناسب به حل مسأله منجر می‌شود.

۴-۵. متناقض بودن نتیجه تحقیقات پیشین: جایی که تحقیقات پیشین درباره یک مسأله متناقض باشد، می‌تواند محل رویش مسأله جدیدی شود؛ مثلاً نتیجه تحقیقات پژوهشگری نشان دهد که یکی از نویسندگان معاصر کاملاً رمانتیک بوده است و پژوهشگری دیگر به این نتیجه رسیده باشد که او کاملاً رئالیست بوده است؛ در این صورت با مسأله‌ای پژوهشی روبه‌رو می‌شویم و نیاز به پژوهش مجدد احساس می‌شود؛ زیرا دو مکتب رمانتیک و رئالیسم در تقابل با هم قرار داشته‌اند.

گاهی نتایج متناقض ناشی از تفاوت روش‌های تحقیق است که چنین امری می‌تواند به طرح مسأله‌های تازه در حوزه روش‌شناسی منجر شود (رک. پروتر و هانتر، ۱۳۸۹: ۹۵-۹۶).

۵-۵. ناهماهنگی دانش موجود با واقعیات و موقعیت امروزی: هرگاه بین دانش موجود با واقعیات و موقعیت فعلی ناهماهنگی وجود داشته باشد با مسأله تازه‌ای مواجه خواهیم شد؛ مثلاً مباحثی که در کتاب‌های درسی علوم بلاغی مطرح می‌شود، بیشتر معطوف به شعر است و مطالب آن با برخی از انواع ادبی رایج در دوره معاصر از جمله داستان سازگار نیست؛ از این رو می‌توان مسأله‌هایی را درباره چگونگی بلیغ بودن داستان‌های معاصر و عوامل اثرگذاری آنها بر خوانندگان شناسایی کرد و مورد بررسی قرار داد.

۶-۵. طرح پرسش‌های متعدد و متنوع درباره یک پدیده ادبی: اصولاً اساس تحقیقات مسأله‌محور داشتن سؤال و طرح پرسش است. طرح سؤال خوب و خوب سؤال کردن در تحقیقات مسأله‌محور ارزش زیادی دارد و یادآور عبارت

معروف «حسن السؤال نصف العلم» است که در کلام جان دیویی، این گونه مورد تأکید قرار گرفته است: «بیان صحیح مسأله، نیمی از حل آن است» (قاسم زاده، ۱۳۷۵: ۱۰۶).

پژوهشگر مسأله یاب باید به جوانب پرسش برانگیز یک پدیده ادبی توجه نماید و با طرح سؤالات گوناگون و حداکثری همه جوانب آن را زیر نظر داشته باشد تا بتواند از میان پرسش‌های متنوع، مسأله‌های اصلی را تشخیص دهد، این پرسش‌ها می‌توانند درباره چستی، کیستی، چگونگی، زمینه، پیشینه، قلمرو، موقعیت، ساختار، فایده، هدف، مزایا، معایب، ویژگی‌ها، انواع، نظایر، اضداد، آثار، ابعاد، رفتارها، رابطه‌ها، الگوها، رویکردها، کارکردها و... یک پدیده ادبی باشند.

«پرسش‌های پژوهش را می‌توان به شیوه‌های متعدّد به دست آورد: از مشاهده اتّفاقی توالی‌های منظم ممکن، از پژوهش‌های پیشین؛ از نظریه؛ از گزارش‌های رسانه‌ها؛ یا از گفتگو با همکاران» (بلیکی، ۱۳۸۴: ۹۲).

هدریک و همکارانش پرسش‌های تحقیقی را در چهار گروه طبقه‌بندی کرده‌اند (رک. ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲: ۱۸۸-۱۹۰): ۱- پرسش‌های توصیفی مثل سؤال‌های چگونه هست؟ و چگونه بود؟ ۲- پرسش‌های هنجاری که اطلاعات توصیفی یک پدیده را با خصوصیات قواعد و قوانین مربوط به آن مقایسه می‌کنند؛ مثل سؤال از اینکه چه تفاوتی بین آنچه هست و آنچه باید باشد وجود دارد. ۳- پرسش‌های همبستگی که از رابطه میان متغیرها سؤال می‌کنند. ۴- پرسش‌های علی که به منظور اینکه چه چیزی موجب چیز دیگر می‌شود مطرح می‌گردند.

۵-۷. تجزیه مشکل به مسائل: یکی از شیوه‌های کارآمد مسأله‌یابی، شناخت مشکلات کلی و تجزیه آنها به مسأله‌های جزئی است. با نگاهی سطحی به اطرافمان می‌توانیم، بسیاری از مشکلات را تشخیص دهیم؛ اما از آنجا که آنها به صورت کلی، مرکب و مبهم نمایان می‌شوند، قابل حل نیستند؛ مگر آنکه تجزیه شوند و به مسأله‌های خرد تبدیل گردند. در این زمینه لازم است مهارت‌های تجزیه مشکل به مسائل آموزش داده شود (رک. فرامرز قراملکی، ۱۳۸۳: ۱۱۰-۱۱۳). به عنوان مثال، همه می‌دانیم که ضعف نقد ادبی یکی از مشکلات پژوهش‌های ادبی در ایران است. با تجزیه این مشکل به عوامل، آثار، ابعاد و ... می‌توان به مسأله‌های زیادی دست یافت که هر کدام از آنها جداگانه شایسته بررسی‌اند (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: تجزیه مشکل ضعف نقد ادبی در ایران به مسائل

عوامل	۱. ضعف بودن فرهنگ نقدپذیری در جامعه ۲. ارائه نشدن واحدهای درسی کافی نقد ادبی در دانشگاهها ۳. نگرانی شاعران و نویسندگان از برخورد پلیسی با آنان ۴. ضعف پرسشگری در جامعه ۵. مواجهه غیر روشمند بسیاری از منتقدان ادبی با نقد
ضعف	۶. تربیت نکردن کارشناس و متخصص نقد ادبی ۷. ناهماهنگی میان کانون‌های نقد ادبی در ایران ۸. ترجمه‌های ناقص
نقد ادبی	نظریه‌های نقد ادبی در ایران ۹. کم‌توجهی به مباحث فرانقد (نقدپژوهی) ۱۰. کم‌توجهی به خرد انتقادی (ضعف تفکر انتقادی)
آثار ضعف	۱. ناشناخته ماندن آثار برتر ۲. رواج سرقت ادبی ۳. کج‌فهمی یا بدفهمی محتوای متون ادبی ۴. عدم پویایی و تحوّل نیافتن ادبیات و علوم ادبی ۵. سردرگمی مخاطبان در شناخت آثار خوب ادبی ۶. رواج آثار سطحی و غیر اصیل ۷. تأخیر در جهانی شدن آثار تازه ادب فارسی ۸. عدم شکوفایی استعدادها و عدم رشد خلاقیت و نوآوری ۹. عدم امکان ارزیابی خالقان آثار ادبی از اثر خود ۱۰. عدم امکان نظریه‌پردازی
ابعاد ضعف	۱. آموزشی ۲. فرهنگی ۳. سیاسی ۴. علمی ۵. هنری ۶. تاریخی ۷. کاربردی ۸. اجتماعی ۹. روانی ۱۰. اقتصادی
نقد ادبی	

در این جدول در هر ردیف فقط ۱۰ مورد گنجانده شده است؛ در حالی که می‌توان مثلاً برای عوامل ضعف نقد ادبی در ایران موارد زیادی ذکر کرد. هر کدام از موارد ذکر شده مسأله‌هایی‌اند که قابلیت دارند جداگانه و به صورت عمیق مورد پژوهش قرار گیرند.

۵-۸. توجه به رابطه‌ها: تحقیقات در اغلب رشته‌های علوم انسانی، بیشتر معطوف به کشف و تفسیر رابطه‌هاست. در نقد ادبی نیز به رابطه‌ها بسیار توجه می‌شود. می‌توان با دقت شدن در چگونگی وجود رابطه‌ها در حول محور یک متن ادبی یا خالق آن به مسأله‌های بکر دست یافت؛ از جمله دقت کردن در رابطه‌های موجود میان اجزای یک متن ادبی؛ رابطه متن ادبی با سایر متن‌های پیشین، پسین و معاصر آن؛ رابطه متن با مؤلف؛ رابطه متن با زمینه؛ رابطه متن با خواننده؛ رابطه شاعر یا نویسنده با خواننده؛ رابطه میان یک شاعر با شاعران هم‌عصر یا شاعران قبل و بعد از خود و...

۵-۹. نگاه تازه به پدیده‌های ادبی: یکی از خصوصیات پژوهشگران موفق، نگاه از منظری تازه به پدیده‌های ادبی؛ از جمله آثار ادبی کهن است. متون ادبی مواد تحقیقاتی پژوهشگر ادبی به شمار می‌آید و چشم مسأله‌یاب پژوهشگر ادبی می‌تواند با نگاهی نو به هر متنی - اگرچه مربوط به هزار سال پیش باشد - مسأله‌هایی تازه کشف کند. نگاه نو می‌تواند، برخاسته از رویکرد انتقادی به متون ادبی، الگوها و نظریه‌های ادبی و یا نسبت به پژوهش‌های پیشین دربارۀ متون ادبی باشد. بسیاری از پژوهش‌های منتشر شده دربارۀ آثار ادب فارسی با رویکرد توجیهی تهیه شده‌اند و هدف آنها بیشتر موجّه جلوه دادن شاعران و نویسندگان ادبی و بیان زیبایی‌های آثار آنان است که می‌توان با استفاده از گونه‌های مختلف نقد ادبی به طرح پرسش‌های انتقادی از آنها پرداخت و به مسأله‌های تازه دست یافت.

۵-۱۰. نگاه فرارشته‌ای یا میان‌رشته‌ای به پدیده‌های ادبی: اصولاً دقت شدن در تحقیقات سایر رشته‌ها و پل زدن میان رشته ادبیات و رشته‌های نزدیک به آن، بستر مناسبی را برای آشکار شدن مسأله‌های تازه فراهم می‌آورد. رویکردهای میان‌رشته‌ای متعددی در ارتباط با زبان و ادبیات شکل گرفته‌اند که می‌توانند به پژوهشگر کمک کنند تا به مسأله‌های بکر در حوزه ادبیات دست یابد، مثل نشانه‌شناسی، تحلیل گفتمان، مطالعات فرهنگی، روان‌شناسی ادبیات، جامعه‌شناسی ادبیات و ... (رک. رحمدل و فرهنگی، ۱۳۸۷: ۲۸ - ۴۴). همچنین با تأمل در رابطه میان ادبیات با سایر هنرها؛ از جمله موسیقی، نقاشی، خطاطی، تئاتر، سینما و ... می‌توان به مسأله‌های تازه دست یافت.

۵-۱۱. نگاه تطبیقی: نگاه تطبیقی به ادبیات ملت‌ها و مقایسه آثار شاعران و نویسندگان کشورهای گوناگون با هم عرصه ظهور مسأله‌های بکر است. همچنین مقایسه آراء و نظریات دانشمندان و نظریه‌پردازان ادبی در مناطق مختلف جهان می‌تواند به کشف مسأله‌های تازه منجر شود. با توجه به کثرت و تنوع آثار ادبی ملل جهان و امکان مقایسه‌های فراوان میان آثار ادب فارسی و آثار ادبی سایر کشورها، می‌توان مسأله‌های زیادی در حوزه ادبیات تطبیقی یافت و به مطالعه دربارۀ آنها پرداخت؛ بویژه در مقایسه با آثار ادبی زبان‌هایی که در مطالعات تطبیقی پیشین کمتر مورد توجه بوده‌اند.

۵-۱۲. نگاه کارکرد گرایانه: یکی از شیوه‌های مهم مسأله‌یابی در دوره معاصر نگاه کارکردگرایانه به ادبیات و پدیده‌های ادبی است که در آن به وظیفه و فایده ادبیات برای رفع نیازهای بشری توجه می‌شود. در این رویکرد ادبیات یک پدیده تلقی می‌شود و خواننده در جایگاه متقاضی و مصرف‌کننده آن قرار می‌گیرد که می‌خواهد نیاز خود را برطرف کند.

رویکرد کارکردگرا در برابر یک پدیده مشخص، سه نوع پرسش مطرح می‌کند ۱- این پدیده به چه کار می‌آید؟

۲- دلایل آن چیست و از کجا آمده است؟ ۳- جایگاه آن در مجموعه کجاست؟ (دورته، ۱۳۸۴: ۴۱).

یکی از نقاط ضعف عرصه پژوهش‌های ادبی در ایران کم‌توجهی به نگاه کارکرد گرایانه است. نگاه کارکرد گرایانه معطوف به دیدن نیازهاست از این رو برای رفع این مشکل باید به نیازسنجی پژوهشی پرداخت و بخشی از تحقیقات ادبی را به سوی حل نیازهای اولویت‌دار سوق داد. «نیازسنجی پژوهشی به فرایند پیچیده شناسایی نیازهای پژوهشی بالقوه و تعیین اولویت در بین پروژه‌های مختلف تحقیقاتی اشاره می‌کند» (فتیحی و اجارگاہ، ۱۳۸۵: ۵).

نیازهای تحقیقات ادبی را می‌توان به محلی، ملی؛ منطقه‌ای و جهانی طبقه‌بندی کرد و با دقیق شدن در هر بخشی به مسأله‌های جدید دست یافت. همچنین نیازهای تحقیقات ادبی بر اساس نوع متقاضیان، متفاوت خواهد بود، مثلاً متقاضیان گاه دولتی‌اند و گاه بخش خصوصی که هر کدام از آنها مسأله‌های خاص خود را دنبال می‌کنند.

۶. مراحل حل مسأله‌های ادبی

پوپر، نظریه پرداز معروف فلسفه علم، کتابی نوشته است به نام *All life is problem solving* یعنی همه زندگی حل مسأله است. او معتقد است که همه علوم، کار خود را با مسأله آغاز می‌کنند (Popper, 2001:3). دانشمندان و متخصصان رشته‌های گوناگون در کشورهای مختلف تلاش می‌کنند تا تازه‌ترین مسأله‌هایی را که در آن رشته مطرح می‌شود، با روش‌های درست حل کنند و یا برای مسأله‌های قدیمی راه‌حل‌های جدید و مناسب‌تر ارائه دهند. امروزه چگونگی حل خلاقانه مسأله‌ها در عرصه‌های گوناگون یکی از رویکردهای جدی مطالعاتی گروهی از متخصصان است که آن را دانش تریز (Triz) می‌نامند. آنان درصددند تا با گسترش این دانش و کشف و معرفی ابزارهای حل مسأله و آموزش شیوه تفکر خلاق به نوآوری‌ها در زمینه‌های مختلف سرعت بخشند (رک. سلیمی نمین، ۱۳۷۸).

برای حل یک مسأله با توجه به شرایطی که با مسأله روبه رو می‌شویم، می‌توانیم گوناگون عمل کنیم. اصولاً مسأله‌ها در پی مواجهه با موانع آشکار می‌شوند. به صورت‌های مختلف می‌توان با موانع مسأله‌ساز برخورد کرد: می‌توان موانع را دور زد و از کنار آن گذشت؛ می‌توان موانع را شکست و به اجزای کوچک‌تر تقسیم کرد و سپس آن را از سر راه برداشت؛ می‌توان از روی موانع پرید و یا بر آن پل احداث کرد و از روی آن عبور نمود؛ می‌توان موانع را مهار کرد؛ می‌توان موانع را به فرصت تبدیل کرد و از آن برای مقاصد جدید بهره گرفت و ...

در تحقیقات مسأله‌محور، توجه به فرایندی بودن حل مسأله امری مهم است یعنی می‌توان برای حل مسائل پژوهشی از جمله مسأله‌های ادبی مراحلی را در نظر گرفت که عملی کردن پشت سر هم آنها منجر به نتیجه‌ای می‌شود که قابل ارزیابی باشد. پیش از پرداختن به پنج مرحله‌ای که در این نوشتار برای حل مسأله ارائه شده است؛ لازم است چند نکته یادآوری شود: از جمله اینکه لازمه حل هر مسأله‌ای تشخیص درست و دقیق آن مسأله است. همان‌طوری که اگر پزشکی در تشخیص بیماری اشتباه کند؛ درمان‌های او بی‌اثر خواهد بود؛ پژوهشگر نیز تا زمانی که مسأله اصلی تحقیق را به‌درستی تشخیص ندهد، موفق به حل مسأله نخواهد شد.

باید توجه داشت که ممکن است، یک مسأله بیش از یک راه حل داشته باشد. در این صورت باید بهترین و مناسب‌ترین راه حل را انتخاب کرد. توجه به این نکته نیز مهم است که ممکن است، راه‌حل‌های یک مسأله در زمان حاضر با راه‌حل‌های آن در زمانی دیگر متفاوت باشد؛ بویژه در مسأله‌های چند وجهی و پویا. یا اینکه ممکن است، راه حلی درباره یک مسأله قبلاً ارائه شده باشد؛ اما به عللی، در گذشته به صورت کامل عملی نبوده و مورد پذیرش قرار نگرفته است؛ ولی در شرایط جدید یا به علت فراهم آمدن امکانات تازه یا ظهور نظریه‌ای نو عملی شده باشد، مثلاً راه

حل بررسی آماری مرتبط با بسامد در مطالعات سبک‌شناسی در گذشته به‌دشواری و اغلب غیردقیق انجام می‌شد؛ اما اکنون با وجود رایانه‌ها امکان شمارش دقیق آواها و واژه‌های یک متن و مقایسه و سنجش آنها با متون مختلف فراهم شده است.

راه حل‌های یک مسأله در ذهن کسانی که از دانش یا معرفت پایه‌ای بیشتری در رشته مرتبط با آن مسأله برخوردارند، بهتر نمود پیدا می‌کند از این رو متخصصان، بهتر از دیگران می‌توانند به حل مسأله‌های حوزه کاری خود نائل شوند. روش‌شناسی تحقیق، بلاغت، سبک‌شناسی، زبان‌شناسی، تاریخ ادبیات؛ از جمله دانش‌های پایه‌ای برای محققان ادبی به شمار می‌روند. بدیهی است که هر چه دانش پژوهشگر ادبی درباره موضوع مورد تحقیق نیز بیشتر باشد در حل مسأله موفق‌تر خواهد بود، مثلاً اگر مسأله او مربوط به متن عرفانی باشد، آگاهی‌های عرفانی پژوهشگر توانایی‌اش را در حل مسأله افزایش می‌دهد.

حل موفقیت‌آمیز مسأله مراحل دارد که عبارت‌اند از:

۱-۶. **تعریف دقیق مسأله:** مسأله موقعی قابل حل است که صورت مسأله روشن باشد، یعنی زوایای آن شناخته شود و مشخص گردد که پرسش تحقیق شامل چه چیزهایی است و چه چیزهایی را شامل نمی‌شود. جان دیویی تأکید می‌کند که صورت‌بندی مسأله باید به گونه‌ای باشد که پژوهشگر را به هدف مطلوب و پیدا کردن راه حل سوق دهد: «اگر ساده‌اندیشانه تصور کنیم که مسأله مورد نظر، تعریف شده و صورت مسأله روشن است، پژوهش در مسیر نادرستی ادامه خواهد یافت. به همین سبب، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان صورت‌بندی یک مسأله را چنان کنترل کرد که پژوهش‌ها به سمت یک راه حل حرکت کند» (Northrop, 1996: 13). از این رو پژوهشگر برای رهایی از سردرگمی باید مسأله را به نحوی شایسته صورت‌بندی و فرموله کند؛ بویژه درباره مسأله‌های ادبی که اغلب ماهیت انتزاعی دارند، لازم است، محدوده آنها مشخص شود و مرزبندی دقیق و روشنی از قلمرو تحقیق صورت گیرد و مسأله تحقیق، با زبانی صریح، شفاف و عاری از هر گونه قابلیت تفسیر و تأویل‌پذیری بیان گردد و اصطلاحات کلیدی آن به صورت دقیق تعریف شود.

۲-۶. **گونه‌شناسی مسأله:** برای حل یک مسأله باید مشخص کرد که آن مسأله از چه نوعی است. مسأله‌های ادبی تنوع زیادی دارند. گونه‌شناسی مسائل ادبی به محققان کمک می‌کند تا قلمرو تحقیق خود را بشناسند و بدانند که به دنبال پاسخ چه نوع پرسشی هستند و پاسخ سؤال خود را باید در چه علمی و با چه روشی دنبال کنند.

مهم‌ترین انواع مسأله‌های ادبی عبارت‌اند از:

۱-۲-۶. توصیفی: بخش مهمی از مسأله‌های ادبی توصیفی‌اند؛ یعنی در آنها از چگونگی یک پدیده ادبی سؤال می‌شود و محقق تلاش می‌کند تا با پژوهش درباره خصوصیات و ویژگی‌های یک پدیده ادبی، آنچه را که هست به صورت دقیق گزارش کند؛ مثلاً در سبک‌شناسی توصیفی یک متن ادبی، خصوصیات زبانی، ادبی و فکری آن دقیقاً مورد مطالعه و گزارش قرار می‌گیرد.

۲-۲-۶. تجویزی: برخی از مسائل ادبی با بایدها و نبایدها سر و کار دارند و نتایج تحقیق پژوهشگر به تجویز و توصیه می‌انجامد؛ مانند بسیاری از مسأله‌هایی که در ارتباط با قواعد دستور زبان و یا شیوه نگارش متون طرح می‌شوند و مورد

مطالعه قرار می‌گیرند؛ همچنان‌که مطالعه و تحقیق درباره مسأله تنوع و تعدد رسم‌الخط رایج در بین ایرانیان منجر به تصویب و ابلاغ دستور خط فارسی از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی شد.

۳-۲-۶. تنظیمی: گره دسته‌ای از مسائل ادبی در آشفتگی اطلاعات موجود ریشه دارد که با سامان‌دهی و طبقه‌بندی علمی اطلاعات، آن مسائل حل می‌شوند، مانند آشفتگی‌های ناشی از وجود نسخ خطی گوناگون درباره یک متن ادبی که با یکی از روش‌های تصحیح متون اصلاح می‌شود، دانشنامه‌نویسان نیز تلاش می‌کنند تا اطلاعات فراوان پراکنده و انباشته شده درباره یک موضوع را مرتب، منظم و طبقه‌بندی کنند.

۴-۲-۶. تبیینی: مسائلی که از چرایی یک پدیده سؤال می‌کنند و به دنبال علت وقوع یک حادثه یا پدیده‌اند، از نوع تبیینی‌اند؛ مثلاً چرا در دوره معاصر ادبیات داستانی مورد توجه قرار گرفته است؟ و یا اینکه چرا شعر نو به وجود آمد؟

۵-۲-۶. توجیهی: مسائلی که تلاش می‌شود تا درستی آنها با دلیل و شواهد کافی موجه و اثبات گردد، از نوع توجیهی‌اند؛ مثلاً سؤال از اینکه به چه دلیل دیوان حافظ متنی باز است؟ (رک. رضی، ۱۳۸۲: ۱۱۵-۱۳۰).

۶-۲-۶. تفسیری: مسأله‌هایی که در ابهام و ناشفاف بودن متن ریشه دارند و حل آنها در گرو شرح متن ادبی در چارچوب تفکرات شاعر یا نویسنده است؛ تفسیری‌اند. شارحان زیادی در دهه‌های گذشته تلاش کرده‌اند تا مسأله‌های متون آثار کلاسیک را کشف و از آنها در تفاسیر خود رمزگشایی کنند؛ از جمله فروزانفر، زرین‌کوب، شفیعی کدکنی و ...

۷-۲-۶. تأویلی: مسأله‌هایی که به لایه‌های زیرین معنایی متون ادبی مربوط می‌شوند، از نوع تأویلی‌اند. این گونه مسأله‌ها بیشتر در نقد خواننده‌محور مورد توجه قرار می‌گیرند و در رمزگشایی از این‌گونه مسائل دایره آگاهی خوانندگان و میزان برانگیختگی عاطفی آنان و همچنین میزان فعال بودنشان در خوانش متن مؤثر است.

۸-۲-۶. انتقادی: مسأله‌هایی که به دنبال ارزش‌گذاری درباره یک پدیده ادبی ظهور می‌کنند و به‌نحوی به داوری درباره یک اثر ادبی یا عناصر و عوامل مرتبط با آن می‌پردازند؛ از نوع انتقادی‌اند که راه حل آنها را باید در نظریه‌های نقد ادبی جستجو کرد. گونه‌ای دیگر از مسأله‌های انتقادی ریشه در نگاه تحول‌خواه و تغییرآفرین محقق یا منتقد دارد. یکی از نمونه‌های موفق منتقدان تحول‌خواه در دوره معاصر نیمایوشیج بود که درصدد بود تا شعر فارسی را دگرگون کند؛ از این رو مطالعات خود را بر آسیب‌شناسی شعر سنتی متمرکز کرد (رک. چراغی و رضی، ۱۳۸۶: ۲۱-۴۲).

۹-۲-۶. تعریفی: بخشی از گره‌های مطالعاتی در حوزه ادبیات ناشی از ابهام در کاربرد اصطلاحات و کلیدواژه‌هاست که می‌توان با استفاده از اصول و شیوه‌های دانش ترمینولوژی به ارائه تعریف دقیق آنها و بیان تفاوت و تمایزشان از مفاهیم مشابه پرداخت، در واقع این گونه از مسأله‌های ادبی از چستی یک پدیده ادبی سؤال می‌کنند؛ مثل اینکه پرسیم ادبیات انقلاب؛ یعنی چه؟ آیا منظور، ادبیات در دوره انقلاب است یا ادبیات درباره انقلاب؟ که ارائه تعریف درست، دقیق و جامع می‌تواند به حل این گونه مسأله‌ها بینجامد.

۳-۶. ساختارشناسی مسأله: شناسایی ساختار یک مسأله از ابعاد گوناگون، در حل مسأله نقش مهمی دارد. تشخیص اینکه مسأله تحقیق، ساختاری ساده دارد یا پیچیده به پژوهشگر کمک می‌کند تا بداند که از چه شیوه‌ای برای تحقیق استفاده کند؛ مثلاً وقتی گره یک بیت به فهم معانی یک لغت وابسته است، پژوهشگر با مسأله ساده‌ای رو به روست که به راحتی قابل حل است؛ اما اگر فهم یک بیت مشروط به آگاهی از زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی زمان شاعر

باشد، مسأله دارای پیچیدگی خواهد بود. مسأله‌های پیچیده نیز یکدست نیستند و ساختارهای متفاوتی دارند؛ بعضی از آنها دارای سطوح بیشتری از پیچیدگی اند و بعضی نیز پیچیدگی کمتری دارند.

۶-۴. **به‌گزینی روش تحقیق:** بخشی از ارزش یافته‌های پژوهشی وابسته به میزان درستی روشی است که از آن برای تحقیق استفاده می‌شود. گزینش روش مناسب و درست برای حل یک مسأله می‌تواند پژوهشگر را سریع‌تر، دقیق‌تر، آسان‌تر و گاه ارزان‌تر به نتیجه درست برساند. از نظر فرانسیس بیکن انسان لنگی که در راه راست قدم برمی‌دارد، از دوندۀ چالاک‌کی که در راه غلط می‌دود، زودتر به مقصد می‌رسد. کسی که در راه نادرست می‌رود هر چه تندتر برود گمراه‌تر خواهد شد (Bacon, 1980:58). نوع مسأله و ساختار آن مشخص‌کننده این است که پژوهشگر بهتر است از چه روشی برای حل مسأله استفاده کند. بعضی از مسأله‌ها با روش تخصصی یک رشته حل می‌شوند؛ اما برای حل گروهی دیگر ممکن است نیاز به استفاده از روش میان‌رشته‌ای باشد. «میان‌رشته‌ای را می‌توان فرایندی از پاسخگویی به یک پرسش، حل یک مسأله و یا ارجاع به موضوعی دانست که گستردگی و پیچیدگی آن موجب می‌شود تا پرداختن به آن به وسیله یک رشته یا یک حرفه ناکافی باشد» (Klein, 1993:3).

در مواردی می‌توان از روش خطی و در مواردی دیگر نیز از روش دوری و همچنین در بعضی موارد از روش سیستمی بهره گرفت. انتخاب شیوۀ گردآوری اطلاعات و ابزار تحقیق نیز باید متناسب با روش تحقیق باشد.

۶-۵. **فرضیه‌سازی:** اساس تحقیقات مسأله‌محور بر پرسش بنا می‌شود و فرضیه پاسخ حدسی و اجمالی اولیۀ پژوهشگر به پرسش تحقیق است. فرضیه‌سازی نوعی ایده‌یابی برای پاسخ دادن به سؤالات تحقیق است. پژوهشگر در مطالعه اولیه تلاش می‌کند با طرح ایده‌های متعدد سرنخ‌هایی برای حل مسأله پیدا کند. ایده‌یابی اهمیت زیادی دارد و در فرایند حل مسأله مرحله مهمی به شمار می‌رود. به همین سبب است که پوپر برخلاف دکارت که قائل به دو جهان ذهن و عین بود. سه جهان را از هم متمایز می‌کند و جهان سوم را جهان ایده‌ها می‌نامد. از نظر او هر کدام از این سه جهان مستقل‌اند؛ اما با یکدیگر در حال کنش و واکنش به سر می‌برند. او معتقد است، حل مسأله مشروط به قوام یافتن جهان سوم است؛ جهانی که در آن طرح‌های تحقیقاتی گوناگون بر سر حل مسائل با یکدیگر رقابت می‌کنند. در جهان سوم است که فرضیه‌هایی برای حل مسائل مختلف بشری ارائه می‌شود (Popper, 1996:12). «فرضیه‌ها را می‌توان در مقایسه با نظریه‌ها و یا از طریق مشاهده به دست آورد. همچنین فرضیه می‌تواند یکباره و بدون اندیشۀ قبلی و از طریق کشف و شهود به ذهن متبادر گردد و یا اینکه با تلفیق و ترکیب چند شیوه حاصل شود» (Nachmias, 1972:23).

درباره اینکه آیا در تحقیقات ادبی، به فرضیه‌سازی نیاز است یا نه؟ باید گفت که اگر تحقیقات ادبی از نوع آموزش‌محور باشد، فرضیه‌سازی ضرورت ندارد؛ اما در تحقیقات مسأله‌محور، داشتن فرضیه در ابتدای تحقیق به نوع مسأله وابسته است؛ مثلاً نیاز به فرضیه‌سازی در مسأله‌هایی که از چرایی پدیده‌های ادبی سؤال می‌کنند، قطعی است؛ ولی در مسأله‌هایی که از چگونگی پرسش می‌کنند و از نوع توصیفی‌اند، می‌توان فرضیه‌سازی را به تأخیر انداخت.

۶-۶. **آزمودن فرضیه‌ها:** در این مرحله با استفاده از شیوه‌های مناسب و بهره‌گیری از همه امکانات، فرضیه‌ها به آزمون گذاشته و با شاخص‌ها سنجیده می‌شوند و در پایان رد یا پذیرفته می‌شوند. کار اصلی محقق، مطالعه و بررسی درستی یا

نادرستی فرضیه‌هاست بنابراین محقق ادبی نباید تنها با جمع‌آوری شواهدی که فرضیه‌ها را تأیید می‌کنند، درصدد اثبات حتمی فرضیه‌ها باشد؛ بلکه لازم است با توجه به مجموعه شواهد و استدلال کافی صحت و سقم فرضیه‌ها را مورد آزمون قرار دهد.

نتیجه

کم‌توجهی به تحقیقات مسأله‌محور و غلبه رویکرد آموزش‌محوری در مطالعات ادبی موجب فراوانی پژوهش‌های تزئینی و زمینه‌ساز تحقیقات تکراری و تقلیدی در حوزه ادبیات فارسی شده است. تحقیقات ادبی که در ایران منتشر می‌شود، از حجم گسترده و تعدد و تنوع فراوانی برخوردار است؛ اما میزان تحقیقات مسأله‌محور نسبت به کل آثار منتشر شده زیاد نیست و این امر موجب کاهش کارایی و اثربخشی نتایج بسیاری از تبّعات ادبی شده است. رواج تحقیقات مسأله‌محور در حوزه زبان و ادبیات فارسی مستلزم توجه جدی به آن و تغییر نگرش در پژوهشگران ادبی و تجدید نظر در برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و بازنگری در شیوه‌ها و مراحل اجرای طرح‌های پژوهشی در این رشته است.

برای دستیابی به مسأله‌های تازه در حوزه زبان و ادبیات فارسی شیوه‌ها و مهارت‌هایی وجود دارد که باید آنها را آموخت؛ از جمله مهارت چگونگی کشف رابطه‌های میان پدیده‌های ادبی؛ مهارت تجزیه مشکلات کلی به مسائل جزئی؛ مهارت طرح پرسش‌های متعدد و متنوع درباره پدیده‌های ادبی؛ مهارت نگاه انتقادی به متون ادبی، نظریه‌ها و الگوهای ادبی و مهارت شناسایی نیازهای پژوهشی متقاضیان تحقیق. حل نتیجه‌بخش مسأله‌های ادبی نیز که لازمه‌اش شناخت درست و دقیق آنهاست، مراحل دارد از جمله: تعریف دقیق مسأله، گونه‌شناسی مسأله، ساختارشناسی مسأله، انتخاب روش تحقیق مناسب، فرضیه‌سازی و آزمودن فرضیه‌ها.

منابع

- ۱- ازکیا، مصطفی و علیرضا دربان آستانه. (۱۳۸۲). روشهای کاربردی تحقیق، جلد اول، تهران: کیهان.
- ۲- بروئر، جان و آلبرت هانتر. (۱۳۸۸). مبانی پژوهش چند روشی، ترجمه رضا فاضل، تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- ۳- بلیکی، نورمن. (۱۳۸۴). طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- ۴- چراغی، رضا و احمد رضی. (۸۷-۱۳۸۶). «تحلیل انتقادی نگاه نیما یوشیج به شعر کلاسیک در تبیین الگوی وصفی-روایی شعر نو»، ادب‌پژوهی، ش ۴، دانشگاه گیلان. زمستان و بهار، ص ۲۱-۴۲.
- ۵- دورتیه، ژان فرانسوا. (۱۳۸۲). علوم انسانی گستره شناخت‌ها، ترجمه مرتضی کتبی، جلال‌الدین رفیع‌فر و ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- ۶- رحمدل، غلامرضا و سهیلا فرهنگی. (۱۳۸۷). «پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در مطالعات ادب فارسی»، پژوهش‌های ادبی، سال ۵، ش ۲۱، پاییز ص ۲۳-۴۴.
- ۷- رضی، احمد. (۱۳۸۲). «دیوان حافظ بازنترین متن ادب فارسی» پژوهش‌های ادبی، ش ۴، تابستان، ص ۱۱۵-۱۳۰.
- ۸- رضی، احمد. (۱۳۸۶). «روش در تحقیقات ادبی ایران»، گوهر گویا، ش ۱، بهار، ص ۱۲۹-۱۴۱.

- ۹- رضی، احمد و محسن اکبرآبادی. (۱۳۸۷). «ایترنت و ادبیات» مجموعه مقالات کنگره ملی علوم انسانی، به اهتمام مظفر نامدار، جلد ۲، ص ۲۷۱-۲۸۶
- ۱۰- سلیمی نمین، محمدحسین و حمیدرضا شهابی و حسین ایرانمنش. (۱۳۸۷). **الگوریتم نوآوری**، تهران: رسا.
- ۱۱- فتحی واجارگاه، کورش. (۱۳۸۵). **نیازسنجی پژوهشی**، تهران: آبیژ.
- ۱۲- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۳). **اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی**، قم: حوزه علمیه قم.
- ۱۳- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۵). **روش شناسی مطالعات دینی**، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ۱۴- قاسم زاده، حسن. (۱۳۷۵). «اهمیت تعریف مسأله در خلاق بودن راه حل‌ها»، فصلنامه پژوهش و مهندسی، ش ۷ و ۸، ص ۱۰۴-۱۸۶.
- ۱۵- مارشال، کاترین و گرچن ب. راس من. (۱۳۸۱). **روش تحقیق کیفی**، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

16-Bacon, Francis (1980) **the New organon**, ed. By Fulton H. Anderson, New York.

17-Klein, Julie Thompson and William H. Newell.(1998) "Advancing Interdisciplinary Studies." Pp.3-22 in **Interdisciplinarity: Essays from the Literature**, William H. Newell, editor. New York: Colleg. Entrance Examination Board.

18-Nachmias, D.Nachmias C.(1976)**Research Methods in the social science**, London. Arnold.

19-Northrop, F.S.C. (1966) **The Logic of the sciences and the humanities**.Cleveland. world Publishing Company.

20-Popper, Karl (2001) **All Life Is problem solving** , London. Routledge.

21-Popper, Karl (1996) **Knowledge and the Body-Mind problem**, London. Routledge.